|  |
| --- |
| درس نهم  نگارش علمي،‌نگارش ادبي |
| پرسش هايي از متن :  1 – زبان به اعتبار شيوه هاي بيان چند گونه است ؟ نام ببريد. |
| دو نوع زبان علمي، زبان ادبي |
| 2 – زبان علمي چه ويژگيهايي دارد؟ |
| الف) هر لفظي به معناي روشن حقيقي خود است ب) صريح، دقيق ، گويا‌ و بي ابهام است ج) در نوشته علمي چند پهلو نوشتن بطوريكه بتوان از هر كلمه برداشت هاي متعددي كرد، عيب و نقص به شمار مي آيد. د) در نوشته علمي، نويسنده مي كوشد مطالب را به گونه اي بيان كند كه خود خواننده بي نياز از تأمل در الفاظ مقصود را دريابد. |
| 3 - زبان ادبي چه ويژگيهايي دارد؟ |
| الف) پيام بطور غير صريح و غير مستقيم بيان مي شود. ب) زبان به آفرينش زيبائيهاي ادبي اختصاص دارد. ج) در نوشته هاي ادبي ، نويسنده تعهد دارد مخاطب را به خود الفاظ ، روابط و مناسبات ظريف آنها را متوجه مي سازد. د) در نوشته هاي ادبي، نويسنده از آرايه هاي ادبي براي توصيف و تصوير معاني ذهني و بيان عواطف و احساسات دروني بهره مي گيرد. |
| 4 – شيوه ي بيان عبارت زير چيست؟ چرا؟  يك تكه بوته ي كوتاه مغيلان وسط يك بيابان دراز، يك قصيده ي بلند است.(خسي در ميقات جلال آل احمد) |
| ادبي است، زيرا نويسنده از ارايه هاي ادبي استفاده كرده است و تك بوته ي مغيلان را به يك قصديه بلند تشبيه كرده و با آوردن واژه هاي كوتاه ، «بلند و دراز» تناسبي زيبا پديد آورده است. |
| 5 – شيوه ي بيان عبارت زير چيست ؟ چرا؟  اسطوره در لغت به معني افسانه و قصد است و در اصطلاح به قصه اي اطلاق مي شود كه ظاهراً منشأ تاريخي، نامعلومي دارد مضمون اساطير معمولاً آفرينش انسان، خلقت جهان و ... است. |
| زبان نوشته علمي است : زيرا هر لفظي به معناي روشن حقيقي خود بكار رفته است نوشته صريح، دقيق، گويا و بي ابهام است و ....... |
| 6 – بطور كلي تفاوت علمي و ادبي را بنويسيد. |
| زبان علمي براي انتقال مستقيم مفاهيم دقيق و صريح بكار مي رود. اما زبان ادبي به آفرينش آثار ادبي اختصاص دارد. |
| 7 – تفاوت «سرو» ، «لعل» و «سنبل» را در دو زبان علمي و ادبي بيان كنيد. |
| در زبان علمي سرو نام درختي است و لعل نام جواهري قرمز رنگ و سنبل نام گلي است. در زبان ادبي، «سرو» بر قامت راست و كشيده و متناسب، «لعل» بر لب و «سنبل» بر موي تابد او دلالت مي كند. |
| خود آزمايي درس نهم : 1 – با مقايسه دو نوشته زير، تفاوت آنها را بنويسيد. 1 – زبان و سينه انديشيدن است. مردمي كه زباني پرمايه و توانا ندارد. از فكر بارور و زنده و آفريننده بي بهره اند، بنابراين هر قدر در تقويت اين بنياد مهم زندگي غفلت شود، در پرورش فكر مردم سهل انگاري شده است. كساني كه حد و رسم معاني كلمات و مرز آن ها براي خودشان روشن نيست چگونه مي توانند درست بينديشند و چه چيز را مي توانند مطرح كنند؟ حاصل پريشاني فكري، بي گمان، پريشان گويي است.(مجله يغما، سال 35 ، شماره 2 غلامحسين يوسفي)   2 – غروب، غم رنگ و خونين و خورشيد در زير پلك غبار، اشك خونين مي بارد، همهمه و قهقهه ها مي زند، زمين مي لرزد، طوفان در دشت نمي وزد و موج خون بر كناره و كرانه هاي گودال تا قله ي بلند تاريخ بالا مي زند . زمين مي لرزد، التهابي مبهم گسترده ي دشت را پوشانده است . آب ايستاده است و خاك موج برداشته.(سوگ سرخ، محمدرضا سنگري) |
| زبان نوشته ي اول علمي است و هر لفظي به معناي روشن حقيقي خود بكار رفته است. اين نوشته صريح، دقيق ، گويا و بي ابهام است و براي انتقال مفاهيم علمي بكار رفته است.  زبان نوشته ي دوم ادبي است . چون نويسنده با استفاده از آرايه هاي ادبي به توصيف پرداخته است. پيام نوشته نيز بطور غيرمستقيم و غير صريح بيان شده است و آفرينش ادبي در نظر بوده است. |
| 2 – نوع فعل هاي دو متن تمريني قبلي را تعيين كنيد. |
| است :‌مضارع / ندارد . مضارع (در مفهوم اخباري) اند : (در بي بهره اند) مضارع / شود:مضارع التزامي / شده است:ماضي نقلي/ نيست : مضارع / مي توانند : مضارع اخباري /بينديشند : مضارع التزامي / مي كنند : مضارع التزامي / مي بارد : مضارع اخباري /(فروكش) كرده است :‌ماضي نقلي / نمي وزد : مضارع اخباري / مي زند و مي لرزد:مضارع اخباري/ پوشانده است،ايستاده است و برداشته است : ماضي نقلي |
| 3 – در نوشته هاي زير غلط هاي املايي را بيابيد و آن ها را اصلاح كنيد. |
| او به پست كتاب دار و دبيرستان منسوب شده است. منسوب -> منصوب سهراب سپهري از شاعران مأثر است. مأثر -> معاصر حقيقت علم ، كمك به هم نوع جنس و كسب رضايت باريتعالي. خيش -> خويش.باري تعالا ->باري تعالي. سنگ هاي خورد را از زمين زراعي جم كرد.خورد -> خرد. جم -> جمع |